

Substantive Requirements for Imposing the Death Penalty in U.S. Federal Criminal Law

 **Mohammad Jafar Saed**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
m.j.saed@gmail.com



Abstract

The death penalty is not a constitutional provision in the United States, but it has been available as a penalty for certain federal offenses throughout the history of U.S. criminal law. The death penalty imposed by federal courts has not been found unconstitutional by the United States Supreme Court, as was stated in *Furman v. Georgia* in 1972. However, the Court has placed limitations on the penalty in several decisions since the 1970s based on the Eighth Amendment's prohibition of cruel and unusual punishment, and some effects of these decisions are evident in recent federal law. Despite its rapid return in most states, the federal government's reinstatement of the penalty dates back to 1988 and only for a very limited set of crimes.

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:
[10.22034/jclc.2025.2049770.1141](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049770.1141)

The 1994 federal death penalty law greatly expanded the number of crimes eligible for the penalty to about 60. Intentional deprivation of life, treason, espionage, and widespread drug trafficking and its leadership are among the examples of crimes punishable by death, each requiring specific substantive and formal requirements for their issuance. The present article, focusing on the substantive requirements for issuing the death penalty, seeks to identify these requirements and explain them in the criminal law of the U.S. federal government through a descriptive-analytical research method.

Keywords: *Federal Government, Death Penalty, Substantive Requirements, Aggravating Factors, Mitigating Factors.*



الزامات ماهوی صدور کیفر مرگ در حقوق جنایی دولت فدرال آمریکا

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
m.j.saed@gmail.com

محمدجعفر ساعد ID



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2049770.1141](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049770.1141)

چکیده

کیفر مرگ در متن قانون اساسی ایالات متحد آمریکا در نظر گرفته نشده است اما در تاریخ حقوق جنایی این کشور به منزله کیفری برای پاره ای موارد نقض قوانین فدرالی در دسترس بوده است. کیفر مرگ صادره از محاکم فدرالی از سوی دیوان عالی ایالات متحد مخالف قانون اساسی آن کشور شناخته نشده است و این مساله در پرونده فورمن علیه جورجیا در سال ۱۹۷۲ تصریح گردید. با این حال، دیوان مزبور در چند تصمیم خود از دهه ۱۹۷۰ بر اساس متمم هشتم قانون اساسی و منع مجازات‌های ظالمانه و غیرعادی، محدودیت‌هایی را بر این کیفر وارد دانست و جنبه‌هایی از آثار این آراء در قوانین فدرالی اخیر نمایان است.

به رغم بازگشت سریع این کیفر در بیشتر ایالت‌ها، بازگشت کیفر مزبور در دولت فدرالی به سال ۱۹۸۸ برمی‌گردد و آنهم صرفاً برای دسته بسیار محدودی از جرایم. قانون کیفر مرگ فدرال مصوب ۱۹۹۴ شمار جرایم مشمول این کیفر را به شکل گسترده‌ای به حدود ۶۰ مورد گسترش داد. سلب حیات عمدی، خیانت به کشور، جاسوسی و قاچاق موادمخدر در سطح گسترده و سردستگی آن در زمره چهار مصداق جرم مستوجب کیفر است که برای صدور آن مستلزم الزامات ماهوی و شکلی ویژه‌ای است. نوشتار حاضر با تمرکز بر الزامات ماهوی صدور کیفر مرگ به دنبال شناسایی این الزامات و تبیین آنها در حقوق جنایی دولت فدرال آمریکا از رهگذر روش تحقیق توصیفی تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: دولت فدرال، کیفر مرگ، الزامات ماهوی، عوامل
مشدده و عوامل مخففه.

درآمد

کیفر مرگ برای بیش از سه سده بخشی از نظام کیفری آمریکا بوده است. قانون اساسی این کشور شرایط یا اوضاع و احوالی که بر مبنای آن کیفر مرگ می‌تواند به مثابه یک گزینه اختیاری تلقی شود، تعریف می‌کند.^۱ جرایم اولیه مستوجب کیفر مرگ که قدمت آنها به خلیج ماساچوست در سال ۱۶۳۶ برمی‌گردد شامل بت پرستی، جادوگری، توهین به مقدسات، قتل عمدی، حمله به هنگام خشم ناگهانی، لواط، زنا، محصنه، تجاوز جنسی قانون محور، تجاوز جنسی، سرقت، شهادت کذب در رسیدگی‌های مربوط به اتهام‌های مستوجب کیفر مرگ، و شورش بود.^۲ در سال ۱۹۷۰، کنگره اول ایالات متحد قوانینی را تصویب کرد که کیفر مرگ را به عنوان مجازات جرایم خاص فدرال تعیین می‌کرد. متمم پنجم که در سال ۱۹۷۱ به تصویب رسید به طور خاص ادامه وجود کیفر مرگ را با تحمیل محدودیت‌هایی برای تعقیب قضایی در پرونده‌های جرایم مستوجب این کیفر تأیید می‌کرد. به موجب این متمم، هیچ شخصی در آمریکا بابت یک جرم محکوم نخواهد شد مگر مبتنی بر کیفرخواست و با حضور هیئت منصفه و نیز از هیچ شخصی، آزادی حیات (حق بر حیات) سلب نمی‌شود مگر در سایه رعایت موازین ماهوی و شکلی قانونی. کیفر مرگ تا زمان تصویب متمم هشتم قانون اساسی ایالات متحد آمریکا در همه ایالت‌ها کیفری رایج بود. زمانی که اولین کنگره این کشور تشکیل شد، قتل عمدی تحت پوشش دولت فدرالی، خیانت به کشور، دزدی دریایی و نیز جعل و نیز جعل گواهینامه‌های فدرالی و اوراق بهادر عمومی را به منزله جرایم فدرالی مستوجب کیفر^۳ تعیین کرد. در زمان تصویب

¹ Congressional Research Service, Federal Capital Offences: An Overview of Substantive and Procedural Law, July 5, 2023, available at:

<https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R42095>

² Cunningham, John P., *Death in the Federal Courts: Expectations and Realities of the Federal Death Penalty Act of 1994*, University of Richmond Law Review, Volume 32, Issue 3, p. 942

³ Federal capital offenses

قوانین بازبینی شده ۱۸۷۸^۱، فهرست جرایم مستوجب مرگ شامل خیانت به کشور، قتل عمدی، آتش سوزی عمدی، یا تجاوز جنسی در صلاحیت قضایی ویژه سرزمینی و دریایی ایالات متحد آمریکا، دزدی دریایی، تقلب بیمه ای راجع به تخریب کشتی در دریا و نجات اشخاص شد. هنگامی که دیوان عالی کشور آمریکا تصمیم خود را در پرونده فورمن علیه جورجیا^۲ اعلام کرد، شمار جرایم فدرالی از نوع قتل عمدی که مشمول کیفر مرگ^۳ بود، افزایش یافته بود اما فهرست جرایم مستوجب کیفر مرگ که مرگ را به منزله یک عنصر دربرنمی گرفت، به تجاوز جنسی، خیانت به کشور و جاسوسی محدود شده بودند. پس از پرونده فورمن که دیوان کیفر مرگ را پیرو آیین و تشریفات^۴ که وفق قوانین فدرالی و ایالتی ضروری بود، ناقض قانون اساسی این کشور دانست، کنگره این کشور اصلاحاتی را در زمینه تشریفات دادرسی برای احیای کیفر مرگ به منزله یک گزینه کیفردهی در پرونده‌های فدرالی و در ابتدا در پرونده‌های دزدی دریایی و در ادامه در پرونده‌های مربوط به قتل سرکردگان قاچاق مواد مخدر و در نهایت به عنوان یک اصل کلی در قانون کیفر مرگ دولت فدرال، به عمل آورد. در حال حاضر، جرایم مستوجب کیفر مرگ در دولت فدرال، به جاسوسی، خیانت به کشور، برخی جرایم مربوط به موادمخدر و سرکردگان این جرایم (که شامل قتل عمدی نمی‌شود) و قتل عمدی تحت شرایط متفاوت ایالت‌ها محدود می‌شود. اگر متهم بابت جرم مستوجب کیفر مجرم شناخته شود، تشریفات تعیین کیفر با الهام از دو پرونده فورمن و گرگ^۴ که در قانون کیفر مرگ دولت فدرال آمده است قابلیت اجرایی می‌یابند. بر اساس مفاد این قانون، کیفر مرگ صرفاً در مواردی می‌تواند صادر شود که (۱) متهم محکوم به ارتکاب جرم مستوجب کیفر مرگ شناخته شود؛ (۲) در مورد جرم

¹ Revised Statutes of 1878

² *Furman v. Georgia*, 408 U.S. 238 (1972),

³ Federal capital murder offences

⁴ *Gregg v. Georgia*, 428 U.S. 153 (1976)

قتل عمدی، احراز شده باشد که متهم دارای یکی از درجات مقتضی قصد مجرمانه بوده است^۱ و (۳) دادستان وجود یک یا چند عامل مشدده قانونی را اثبات نماید و (۴) عدم توازن میان عوامل مشدده و مخففه، اعمال کیفر مرگ را توجیه نماید. در حال حاضر، کیفر مرگ صادره از دولت فدرال در تمامی پنجاه ایالت و نیز سرزمین‌های ایالات متحده آمریکا قابل اعمال است اما نسبتاً به ندرت اجرا می‌گردد، اگرچه میان سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ حدود ۲۲۰ تن به اجرا درآمد.^۲ در حال حاضر، در این کشور چهل زندانی مشمول کیفر مرگ در زندان‌های فدرالی در انتظار اجرای حکم هستند و بیشتر آنها در تری هاوته^۳ در ایندیانا زندانی هستند. تاکنون ۱۶ کیفر مرگ از ناحیه دولت فدرالی به اجرا درآمده است و روش اجرای آنها نیز به صورت تزریق کشنده بوده است. سیزده مورد آنها ظرف شش ماه میان جولای ۲۰۲۰ و ژانویه ۲۰۲۱ صورت گرفته است. با این حال، این درصد در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به حد صفر رسیده است.^۴ نوشتار حاضر با تمرکز صرف بر کیفر مرگ در دولت فدرال آمریکا و بدون ورود به موضع ایالت‌های این کشور در تلاش است تا به الزامات تعیین کیفر مرگ از منظر ماهوی^۵ در دولت فدرال از رهگذر روش تحقیق توصیفی تحلیلی بپردازد. از این رو، الزامات ماهوی مزبور در پرتو مصادیق جرایم مستوجب مرگ که در قالب چهار جرم تبلور می‌یابد، مورد امعان نظر قرار می‌گیرد.

¹ Congressional Research Service, *Federal Capital Offences: An Overview of Substantive and Procedural Law*, July 5, 2023, available at : <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R42095>

² Center for Constitutional Rights, *The Death Penalty is a Human Rights Violation: An Examination of the Death Penalty in the U.S. from a Human Rights Perspective*, 666 Broadway, 7th Floor, New York, NY 10012, P. ۱

³ Terre Haute

⁴ Tabak, Ronald J, *Capital Punishment, the State of Criminal Justice*, 2023, P. 194, Available at : <https://www.americanbar.org/content/dam/aba/publications/criminaljustice/2023/death-penalty-scj2023.pdf>

^۵ . گفتنی است که الزامات شکلی ناظر بر تعیین یا صدور کیفر و اجرای آن و نیز موانع ماهوی و شکلی بر سر راه صدور و اجرای این کیفر به سبب گستردگی موضوع در این مقاله نمی‌گنجد و راقم این سطور در حال نگارش آن در قالب دو مقاله مستقل دیگر است.

گفتار نخست: شرایط ماهوی تعیین کیفر مرگ در پرتو مصادیق جرایم

مستوجب مرگ

قانون گذار دولت فدرال در بخش ۱۸ قانون ایالات متحد آمریکا که به حقوق جنایی و آیین دادرسی جنایی اختصاص داده شده است، در مواد ۳۵۹۱ تا ۳۵۹۹ با تمرکز به کیفر مرگ، به مصادیق جرایمی که مستوجب این کیفر بوده و شرایط یا الزاماتی که در تعیین کیفر مرگ باید رعایت شود، می پردازد. در دولت فدرال آمریکا، چهار مصداق جرم وجود دارد که کیفر مرگ برای آنها پیش بینی شده است. مصداق نخستین آن جرایم منجر به سلب حیات^۱ است که خود قریب ۶۰ مورد متفاوت را شامل می شود. در کنار قتل عمدی، خیانت به کشور، جاسوسی و سردستگی در جرایم قاچاق مواد مخدر در زمره دیگر جرایم مستوجب کیفر مرگ در دولت فدرالی هستند. بر مبنای این چهار مصداق، سه دسته جرایم مستوجب کیفر مرگ در قانون دولت فدرال و در بخش ۱۸ پیش بینی شده است: جرایم منجر به سلب حیات، گروه دوم، جرم جاسوسی و خیانت به کشور، و گروه سوم، جرایم مواد مخدوری که منجر به کشتن نمی شوند. کیفر مرگ عمدتاً در مورد جرایم منجر به سلب حیات مطرح می شود و در سایر گروه ها، کیفر مزبور وضعیتی حداقلی دارد. با این حال، در ادامه صرفنظر از دسته بندی سه گانه قانون مزبور، جهت تشریح تفصیلی و مطلوب تر، به این چهار مصداق به شکل مستقل پرداخته شده و الزامات ماهوی صدور کیفر مرگ درباره هر یک از این جرایم مورد مذاقه قرار می گیرد.

(بند نخست) الزامات کیفر مرگ در جرایم سلب حیات مصادیق سلب حیات بر اساس بیش از ۵۰ قانون فدرالی، جرایمی مستوجب کیفر مرگ هستند که در سه قالب، قتل

^۱ capital Homicide Offences

عمدی^۱، کشتن^۲ و مرگ ناشی از یک رفتار معین^۱ مطرح می‌شوند که جملگی آنها در قالب قتل عمدی «ناشی از قصد خاص سلب حیات دیگری» یا «ناشی از علم وقوع به نتیجه»

۱. مصادیق قتل عمدی از این قرارند: قتل عمدی با تیراندازی به خودرو در حال حرکت، قتل عمدی بازرس حمل و نقل حیوانات، قتل عمدی یکی از اعضای خانواده یک مامور، کارمند یا قاضی ایالات متحد آمریکا به قصد ممانعت در اجرای وظایف فدرالی یا انتقام جویی از وی، قتل عمدی درجه یک داخل در صلاحیت سرزمینی یا دریایی ویژه ایالات متحد آمریکا، قتل عمدی یک افسر یا کارمند فدرال در حین (یا به سبب) اجرای وظایف قانونی، قتل عمدی اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، زندانیان دولت فدرال، تبعه ایالات متحد آمریکا به وسیله دیگری در خارج از ایالات متحد آمریکا، شخصی که قبلاً از زندان فدرالی فرار کرده است، شخصی که در حال کمک بوده یا به سبب کمک به دیگری در تحقیقات جنایی فدرالی یا کشتن (به سبب جایگاه دولتی) یک مامور اجرای قانون مشغول در تحقیقات جنایی فدرالی، قتل عمدی به منظور ممانعت از رسیدگی‌های قضایی فدرالی، قتل عمدی انتقام جویانه یک شاهد یا مطلع، قتل عمدی رییس جمهور، معاونت رییس جمهور یا مامور عالی رتبه کاخ سفید، قتل عمدی با استخدام دیگری به منظور نقض قانون ایالات متحد آمریکا، قتل عمدی در اثر باجگیری، قتل عمدی ارتكابی در جریان سرقت مسلحانه از بانک، قتل عمدی در جریان سوءاستفاده جنسی از کودک، قتل عمدی با استفاده از وسیله یا مواد خطرناک در آب‌های ایالات متحد آمریکا، قتل عمدی در اثر انهدام کشتی‌ها یا تاسیسات دریایی، قتل عمدی بازرسان مرغداری‌های فدرال در حین یا به سبب وظایف قانونی، قتل عمدی بازرسان تخم مرغ در حین یا به سبب وظایف قانونی، تروریسم چندملیتی منجر به قتل عمدی.

۲- مصادیق مرگ از این قرار هستند: کشتن اشخاص مجری قانون حمایت از اسب‌ها، کشتن عضو کنگره، کارمند کابینه یا قاضی دیوان عالی، کشتن بازرسان هسته ای دولت فدرال در حین یا به سبب وظایف قانونی، کشتن شهروندان آمریکا در خارج از آمریکا، کشتن در اثر خشونت علیه ناوگان دریایی، کشتن اشخاص مجری قانون حمایت از اسب‌ها، کشتن عضو کنگره، کارمند کابینه یا قاضی دیوان عالی، دزدی دریایی منجر به مرگ، مرگ ناشی از شکنجه ارتكابی در خارج از ایالات متحد آمریکا، مرگ ناشی از استفاده از تسلیحات تخریب جمعی، سوءرفتار جنسی تماسی (فیزیکی) منجر به مرگ در داخل حوزه صلاحیت سرزمینی یا دریایی ویژه ایالات متحد آمریکا، بمب‌گذاری مکان‌های عمومی منجر به مرگ، سوء رفتار جنسی نسبت به یک صغیر یا مولی علیه منجر به مرگ در داخل حوزه صلاحیت سرزمینی یا دریایی ویژه ایالات متحد آمریکا، مرگ ناشی از ارسال اقلام آسیب‌رسان، سوءرفتار جنسی شدید منجر به مرگ در حوزه صلاحیت سرزمینی یا دریایی ویژه ایالات متحد آمریکا، حمله به سامانه‌های حمل و نقل انبوه درگیر در تجارت خارجی یا بین‌ایالاتی منجر به مرگ، مرگ ناشی از خودرو ربابی، مرگ ناشی از خشونت نسبت

جای می‌گیرد. به واقع، در نظام حقوق جنایی دولت فدرال، سه مصداق کلان جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص منتهی به سلب حیات پیش بینی شده است که کیفر آنها نیز به شکل سلب حیات مرتکب، نمایان می‌شوند: قتل عمدی، کشتن، و مرگ ناشی از یک رفتار مجرمانه، هر چند که همگی آنها داخل در مفهوم قتل عمدی هستند. دسته سوم که به شکل «مرگ ناشی از یک رفتار مجرمانه» یاد می‌شود بر پایه «علم به وقوع نتیجه» نتیجه حاصله را بر مرتکب بار می‌کند و کیفر مرگ را برای مرتکب در ازاء آن به همراه می‌آورد و دسته اول نیز که بر قصد خاص مرتکب بر سلب حیات دیگری استوار است. در این میان، دسته دوم که کشتن دیگری است می‌تواند حالتی بینابین میان دسته اول و سوم باشد که عنصر ذهنی آن یا بر قصد نتیجه مرتکب استوار باشد یا علم به وقوع نتیجه از ناحیه وی. در این نوشتار، به سبب تکیه ادبیات حقوق جنایی دولت فدرال بر تفکیک این مصادیق بر این سه تعبیر، اشاره به مصادیق جرایم منجر به سلب حیات بر مبنای همین دسته بندی بیان می‌شود.

الف) الزامات جرم سلب حیات عمدی مستوجب کیفر مرگ در پرتو نص قانون

قانون گذار جنایی دولت فدرال مصادیق جرم سلب حیات را در سه قالب قتل عمدی، کشتن و مرگ به شکل مجزا پیش بینی کرده است. با این حال، رفتار ارتكابی باید همراه با

به سکوه‌های ثابت دریایی، آدم ربایی منجر به مرگ، گروگان‌گیری منجر به مرگ، خشونت منجر به مرگ نسبت به شهود یا مطلعین.

۱. مرگ ناشی از ورود غیرمجاز بیگانگان به ایالات متحد آمریکا، مرگ ناشی از انهدام هواپیما یا امکانات (تاسیسات) آن، مرگ ناشی از انهدام وسایط نقلیه موتوری تجاری یا تاسیسات آنها، مرگ ناشی از خشونت در فرودگاه‌های بین المللی، مرگ ناشی از جرایم تسلیحات شیمیایی، مرگ ناشی از تبانی در قبال حقوق مدنی، مرگ ناشی از محرومیت از حقوق مدنی به استناد ظاهر قانون، مرگ ناشی از انسداد باورهای دینی، مرگ ناشی از حمل و نقل غیرقانونی موادمنفجره در تجارت خارجی ایالات متحد آمریکا، مرگ ناشی از بمب گذاری اموال دولت فدرال، مرگ ناشی از بمب گذاری اموال مورد استفاده یا استفاده شده در فعالیتی که بر تجارت خارجی ایالات متحد آمریکا اثر می‌گذارد.

یکی از عوامل مشدده مقرر قانونی در قانون کیفر مرگ باشد تا رفتار مزبور مشمول کیفر مرگ شود. به صورتی که این عامل مشدد موضوعیت نداشته باشد، صرف نظر از اینکه قتل عمدی همچنان مطرح است اما منتهی به کیفر مرگ نمی‌شود.^۱

به موجب ماده ۳۵۹۱ در بخش ۱۸ قانون ایالات متحد آمریکا، شخصی که مرتکب سلب حیات دیگری شده باشد می‌تواند محکوم به کیفر مرگ شود در صورتی که وراثت تردید معقول اثبات شود که یکی از عوامل مشدده همراه با رفتار وی باشد. لذا، وی محکوم به این کیفر می‌شود:

✓ اگر وی از روی عمد بزه‌دیده را به قتل برساند،

✓ یا از روی عمد صدمه شدید جسمانی به بزه دیده وارد کند که منتهی به مرگ وی شود
یا

✓ از روی عمد در رفتاری مشارکت داشته باشد با این قصد که از دیگری سلب حیات شود
یا به قصد استفاده از نیروی کشنده نسبت به دیگری غیر از یکی از شرکت کنندگان در جرم، و بزه دیده به طور مستقیم در اثر این اقدام وی، بمیرد.

✓ یا از روی عمد و به شکل خاص درگیر در رفتاری خشونت آمیز شود با علم به اینکه این رفتار منجر به خطر شدیدی نسبت به جان دیگری، غیر از یکی از شرکت کنندگان در جرم، شده، به نحوی که این مشارکت وی در عمل به منزله بی توجهی سهل انگارانه نسبت به حیات دیگری بوده و این رفتار وی به طور مستقیم منجر به مرگ بزه‌دیده شود.

اقدام خشونت آمیز توأم با قصد شامل این است که (۱) شخص از روی عمد و به طور خاص درگیر اقدام خشونت آمیز شود، (۲) علم داشته باشد که این اقدام موجب خطر فاحش

^۱ هدف نوشتار صرفاً پرداختن به شرایط ماهوی صدور کیفر مرگ با محوریت مصادیق جرایم است و قصد تحلیل این جرایم به روش حقوق کیفری اختصاصی نیست.

مرگ می شود، چنان که مشارکت وی در این اقدام، برابر با بی توجهی سهل انگارانه برای حیات انسانی باشد و (۳) مرگ بزه دیده به منزله اثر مستقیم این اقدام باشد. قانون کیفر مرگ دولت فدرال، اقدام خشونت آمیز را تعریف نمی کند. با این حال، این اقدام شامل استفاده از زور مادی و فیزیکی علیه شخص یا مال دیگری است. حتی در صورت وجود قصد لازم و حداقل یکی از عوامل مشدده قانونی، متهم تنها در صورتی ممکن است به کیفر مرگ محکوم شود که هیئت منصفه به اتفاق آرا به این نتیجه برسد که با لحاظ توازن بین عوامل مشدده و مخففه، اجرای کیفر مرگ، موجه است. بر این اساس، صرف نظر از ضرورت اجزای سازنده مادی و ذهنی سلب حیات دیگری مورد اشاره در ماده ۳۵۹۱ که بررسی تفصیلی آن مجال دیگری می طلبد، عوامل مشدده ویژه این جرم که در ماده ۳۱۹۳ پیش بینی شده است، باید از ناحیه دادگاه یا هیئت منصفه احراز شود.

عوامل تشدید کیفر: عوامل مشدده به مثابه ابزار صدور کیفر مرگ بابت قتل عمدی
بر اساس قانون کیفر مرگ دولت فدرال، ۱۶ عامل مشدده قانونی وجود دارد که برای تحمیل کیفر مرگ بر مرتکب در مواردی که منتهی به مرگ دیگری می شود، باید رفتار منجر به مرگ دیگری توأم با یکی از این حالت‌های شانزده گانه باشد. هیئت منصفه و در صورت عدم حضور هیئت منصفه، دادگاه باید هر یک از موارد مذکور را بررسی کند و در صورت وجود عامل مشدده، شناسایی کند که کدامیک از این عوامل در پرونده وجود دارند که بر بنیاد آن مرتکب را مستحق کیفر مرگ بدانند.

مرگ دیگری طی ارتکاب جرمی دیگر

این عامل مشدده قانونی شامل آن دسته از مواردی می شود که «مرگ یا آسیب منجر به مرگ حاصله در حین ارتکاب یا شروع به ارتکاب، یا در خلال فرار فوری از حین ارتکاب جرم

موضوع ماده ۳۲ (تخریب هواپیما یا تاسیسات هواپیمایی)، ماده ۳۳ (تخریب وسایط نقلیه موتوری یا تاسیسات وسایط نقلیه موتوری)، ماده ۳۷ (خشونت در فرودگاه‌های بین‌المللی)، ماده ۳۵۱ (خشونت علیه اعضای کنگره، افسران کابینه یا قضات دیوان عالی)، جرم تحت عنوان ماده ۷۵۱ (زندانیان تحت نظر در یک موسسه یا تحت نظر یک مامور)، ماده ۷۹۴ (جمع‌آوری یا ارائه اطلاعات دفاعی برای کمک به دولت خارجی)، بند (د) ماده ۸۴۴ (انتقال مواد منفجره در تجارت بین‌ایالتی برای اهداف خاص)، بند (اف) ماده ۸۴۴ (تخریب اموال دولتی به وسیله مواد منفجره)، ماده ۱۱۱۸ (زندانیان حبس ابد)، ماده ۱۲۰۱ (آدم‌ربایی)، بند (آی) ماده ۸۴۴ (تخریب اموال موثر بر تجارت بین‌ایالتی از طریق مواد منفجره)، ماده ۱۱۱۶ (کشتن یا اقدام به کشتن دیپلمات‌ها)، ماده ۱۲۰۳ (گروگان‌گیری)، بند ۱ ماده ۱۹۹۲ (تخریب قطارها)، ماده ۲۲۴۵ (جرایم منجر به مرگ)، ماده ۲۲۸۰ (خشونت دریایی)، ماده ۲۲۸۱ (خشونت نسبت به سکوی دریایی)، ماده ۲۳۳۲ (اقدامات تروریستی در خارج از کشور علیه شهروندان ایالات متحد)، بند الف ماده ۲۳۳۲ (استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی)، یا ماده ۲۳۸۱ (خیانت به کشور) از این عنوان یا ماده ۴۶۵۰۲ از عنوان ۴۹ قانون ایالات متحد (هواپیماربابی) رخ داده باشد»

محکومیت قبلی به جنایت خشن با سلاح گرم

محکومیت سابق در این خصوص ناظر بر هر جرمی است که متهم قبلاً به یک جرم فدرالی یا ایالتی محکوم شده و کیفر آن بیش از یک سال حبس بوده باشد. این دست از جرایم باید با توسل به استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح گرم نسبت به دیگری یا شروع به آن ارتکاب یافته باشند. مقصود از سلاح گرم، سلاحی بوده که در ماده ۹۲۱ قانون ایالات متحد تعریف شده است. به موجب بند ۳ این ماده، سلاح می‌تواند از جمله یک تفنگ استراتر باشد که برای پرتاب کردن یک پرتابه با استفاده از ماده منفجره طراحی شده یا به

سادگی می‌تواند چنین کارکردی به همراه داشته باشد (شق الف). وانگهی، سلاح شامل قاب یا گیرنده سلاح تعریف شده در شق الف یا هر صدا خفه کن یا هر وسیله تخریب کننده نیز می‌شود. در این میان، سلاح‌های گرم عتیقه از دامنه تعریف مزبور مستثناست.^۱ در این بین، جرایم مشمول بند ج ماده ۹۲۴ که مستوجب کیفر مرگ شناخته شده داخل در جرایم موردنظر بند مزبور نمی‌شود. به موجب بند مزبور، جرایمی که مرتکب محکوم به حبس حداقل ۲۵ سال شده باشد و اگر در راستای ارتکاب جرم از اسلحه مسلسل یا وسیله مخرب یا مجهز به صدا خفه کن استفاده کرده باشد و به کیفر حبس ابد محکوم شده باشد.^۲

محکومیت قبلی به جرم مستوجب کیفر مرگ یا حبس ابد

کیفر مرگ در انتظار شخص متهم خواهد بود اگر وی قبلاً مرتکب جرم دیگری در قلمرو حقوق جنایی فدرالی یا ایالتی شده باشد که منجر به مرگ دیگری شده و کیفر آن به موجب قانون، حبس ابد یا مرگ باشد.

محکومیت قبلی به سایر جرایم شدید

در صورتی که متهم قبلاً به دو یا چند جرم فدرالی یا ایالتی مستوجب کیفر بیش از یک سال حبس در موقعیت‌های مختلف محکوم شده باشد که در اثر این جرایم، موجب ایراد صدمات شدید جسمانی به دیگری یا شروع به ایراد این صدمات کرده باشد یا اینکه موجب مرگ دیگری شده باشد.

^۱ <https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC-prelim-title18-section921&num=0&edition=prelim>

^۲ <https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC-prelim-title18-section924 &num=0&edition=prelim>

ایجاد خطر شدید جانی برای اشخاص دیگر

متهم در ارتکاب جرم یا فرار از دستگیری در اثر ارتکاب جرم، آگاهانه موجب ایجاد خطر جانی و مرگ برای یک یا چند شخص انسانی جدای از بزه دیده جرم شده باشد. چنین اقدامی از ناحیه متهم با اینکه مشخصاً درصداً سلب حیات اشخاص دیگر در صحنه فرار یا در صحنه ارتکاب جرم خود بوده، به سبب آگاهی وی در ایجاد این خطر که مصداق «علم وی به نتیجه» می شود، مستحق کیفر مرگ شناخته می شود.

ارتکاب جرم به شکل شنیع، ظالمانه یا شرورانه

در صورتی که جرم ارتكابی مورد بررسی در دادگاه از ناحیه هیئت منصفه یا دادگاه، در صورت عدم حضور هیئت منصفه، به شکلی انجام شده باشد که همراه با شکنجه یا آزار جسمانی شدید بزه‌دیده بوده باشد، مرتکب مستحق کیفر مرگ شناخته می شود. به واقع، از منظر قانون‌گذار جنایی دولت فدرال، روش ارتکاب جرم در صورتی که متصف به وصف ظالمانه یا شرورانه یا شناعت باشد، نشان از حالت ذهنی و شخصیت شرور مرتکب است و کیفر مرگ به دور از تناسب شخصیت و رفتار ارتكابی وی نیست.

ترغیب به جرم از طریق تطمیع

تطمیع مرتکب جرم معمولاً مصداقی از معاونت است اما تطمیع موردنظر در اینجا ناظر بر مرتکب جرم بوده و ترغیب مرتکب به سبب تطمیع^۱ است. به دیگر سخن، مرتکب به دلیل اخذ یا وعده اخذ هر چیزی که ارزش مالی دارد، دست به ارتکاب جرم زده است. اگر مرتکب در اثر رضایت به سلب حیات دیگری به واسطه اخذ یا وعده اخذ چیزی که دارای مالیت بوده، اقدام کرده باشد، کیفر مرگ در انتظار اوست.

^۱ Procurement of offense by payment

کسب منفعت مالی

صرفنظر از وضعیت بند پیشین، اگر مرتکب جرم در ازاء دریافت یا انتظار دریافت هر چیزی که ارزش مالی دارد اقدام به سلب حیات دیگری کرده باشد، مستحق کیفر مرگ است. چنین بندی به مانند بند هفت بالا دلالت بر این دارد که صرف سلب حیات دیگری منتهی به کیفر مرگ نمی‌شود و باید این سلب حیات داری چاشنی ای باشد که صدور کیفر مرگ برای مرتکب را توجیه نماید. در اینجا، اخذ یا وعده اخذ هر چیزی با ارزش مالی همان چاشنی است که مرتکب را به محاق مرگ می‌کشاند.

برنامه ریزی اساسی و از پیش مقدر

گاهی سلب حیات دیگری در راستای انجام رفتار مجرمانه خود از پیش برنامه ریزی کرده و بر پایه برنامه از پیش مقدر خود و برنامه ریزی اساسی دست به گرفتن جان دیگری می‌زند یا بر همین مبنا اقدامی تروریستی را رقم می‌زند. وجود برنامه ریزی اساسی و از پیش مقدر نشان از این دارد که سلب حیات دیگری مقصود نخستین مرتکب بوده و برای بازدارندگی و پیشگیری از وقوع و تکرار چنین اقدامی جنایی، تشدید کیفر به شکل کیفر مرگ در موارد مزبور بهترین ابزار از منظر مقنن جنایی دولت فدرال شناخته شده است.

محکومیت به دو یا چند جرم مواد مخدر

مرتکب قبلاً به دو یا چند جرم فدرالی یا ایالتی مستوجب کیفر بیش از یک سال حبس در موقعیت‌های مختلف محکوم شده باشد و شامل توزیع یک ماده مخدر کنترل شده قانونی^۱ باشد.

کیفر سلب حیات با وجود این عامل منتهی به کیفر مرگ می‌شود و محکومیت قبلی مرتکب به دو یا چند جرم مرتبط با مواد مخدر نیز فی نفسه و بدون ارتباط با مرگ و بدون

^۱ the distribution of a controlled substance.

اینکه منجر به مرگ دیگری شود نیز در چارچوب جرم موادمخدر مشمول کیفر مرگ می‌شود. با این اوصاف سابقه کیفری در موادمخدر با حداقل دو بار، خواه در جریان آن مرگ ثالثی روی داده باشد یا خیر، مستوجب کیفر مرگ برای مرتکب خواهد شد.

آسیب‌پذیری بزه‌دیده

اشخاص در معرض آسیب و به واقع آسیب‌پذیر اگر قربانی رفتار مجرمانه موسوم به سلب حیات باشد، مرگ مرتکب نتیجه رفتار ارتكابی وی خواهد بود. به واقع، آسیب‌پذیری بزه‌دیده^۱ که در این وضعیت همان مقتول خواهد بود، عاملی مشدد در سلب حیات تلقی می‌شود که استحقاق مرتکب به مرگ را به هیئت منصفه یا در صورت نبود هیئت منصفه به دادگاه گوشزد می‌کند. چنین گزاره‌ای، در حمایت از اشخاص در وضع خاص مانند کودکان، کهنسالان یا ناتوانان جسمی و ذهنی پیش‌بینی شده است که اشخاص ناتوان در دفاع از خود محسوب می‌شوند و همین ناتوانی در دفاع از خود به نحو مطلوب عاملی مشدد برای مرتکب محسوب می‌شود که رفتار جنایی اش وی را مواجه با شدیدترین نوع کیفر می‌کند.

محکومیت بابت جرایم شدید موادمخدر فدرالی

اگر مرتکب سلب حیات دیگری دارای سابقه محکومیت قبلی در مورد جرایم شدید مرتبط با موادمخدر باشد که از ناحیه دولت فدرال جرم انگاری و این دست جرایم مستوجب کیفر ۵ سال یا بیشتر شناخته شده باشد یا قبلاً به سبب شرکت در یک رفتار مجرمانه مستمر محکوم شده باشد، سلب حیات دیگری از ناحیه وی، منجر به کیفر مرگ وی می‌شود.

^۱ Vulnerability of victim

مقصود از جرایم شدید مرتبط با مواد مخدر^۱ فصل دو و سه قانون جامع پیشگیری و کنترل سوءمصرف موادمخدر مصوب ۱۹۷۰^۲ است دارای کیفر ۵ سال و بیشتر از آن هستند.^۳ این قانون فدرال شامل سه عنوان مختلف است. عنوان نخست، به ایجاد برنامه‌های توان بخشی برای مصرف کنندگان مواد مخدر می پردازد. عنوان دوم به ثبت و توزیع مواد کنترل شده می پردازد و عنوان سوم نیز موضوعات مربوط به واردات و صادرات مواد کنترل شده را مورد بحث قرار می دهد.

فعالیت مجرمانه مستمر مربوط به خرید و فروش موادمخدر به کودکان

یکی دیگر از عوامل مشدد منتهی به کیفر مرگ برای مرتکب در زمانی است که متهم در جریان شرکت در یک فعالیت مجرمانه مستمر^۴ برخلاف بند ج ماده ۴۰۸ قانون مواد کنترل شده^۵ یعنی همان قانون جامع پیشگیری و کنترل سوءمصرف موادمخدر مصوب ۱۹۷۰ مرتکب جرم شده باشد و این جرم شامل توزیع موادمخدر به افراد زیر سن ۲۱ سال مغایر ماده ۴۱۸ این قانون باشد.

^۱ Conviction for serious federal drug offenses

^۲ Comprehensive Drug Abuse Prevention and Control Act of 1970

^۳ این قانون در ۱ می ۱۹۷۱ لازم الاجرا شد و بیشتر به عنوان «قانون مواد کنترل شده» (the Controlled Substances Act) شناخته می شود. بنگرید به:

Gabay, Michael, *The Federal Controlled Substances Act: Schedules and Pharmacy Registration*, available at: <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC3839489/>

^۴ Continuing criminal enterprise

^۵ بند ج ماده ۴۰۸ قانون مزبور مقرر می دارد که در مورد هر مجازاتی که بر اساس این ماده تعیین شده است، صدور و اجرای آن نباید معلق شده یا به حالت تعلیق درآید و ماده ۴۲۰۲ بخش ۱۸ قانون ایالات متحد که ناظر بر آزادی مشروط بوده نباید اجرا گردد.

شخصی که در این فعالیت مجرمانه مستمر شرکت دارد می‌تواند در سمت سردسته ظاهر شود که بند پ ماده ۸۴۸ بخش ۲۱ قانون ایالات متحد اقدام به تعریف سردسته نموده است. وانگهی این بند به تعریف فعالیت مجرمانه مستمر نیز پرداخته و چنین می‌گوید که فعالیت مجرمانه سازمانی مستمر در مواردی صدق می‌کند که شخص، مفاد این ماده ۸۴۸ که دلالت بر یک جنایت دارد را نقض کند و چنین نقضی به منزله بخشی از یکسری اقدامات مستمر ناقض مفاد این ماده ۲ باشد و وی هماهنگ با پنج یا چند تن دیگر و در سمت سازمانده، سرکرده یا هر اداره دیگری عمل کند و درآمد و منابع مالی قابل توجهی از این قبل بدست آورد.^۱

ماموران دولتی عالی رتبه

در صورتی که شخصی مرتکب جرم علیه مقامات عالی رتبه دولتی به ویژه مقامات زیر شود، به سبب ارتکاب رفتاری مجرمانه علیه یک مقام دولتی بلندپایه، مرتکب کیفر شدید و مستوجب مرگ می‌شود.

- رییس جمهوری ایالات متحد، رییس جمهور منتخب، معاون رییس جمهور، معاون رییس جمهور منتخب، معاون رییس جمهوری منصوب در صورت نبود معاون رییس جمهور، مامور بعدی در صف جانشینی برای دفتر ریاست جمهوری ایالات متحد، یا هر شخصی که براساس قانون اساسی و قوانین ایالات متحد به عنوان رییس جمهور عمل می‌کند.

- رییس دولت، رهبر یک دولت یا مقام سیاسی همتراز یک دولت خارجی

- مقام خارجی مورد اشاره در ماده بند ب ۳ الف ۱۱۱۶ اگر این مقام به منظور تجارت رسمی و دولتی در ایالات متحد آمریکا باشد.

^۱ 21 U.S. Code § 848 - Continuing criminal enterprise

- یک کارمند دولتی فدرال که قاضی، مامور اجرای قانون، یا کارمند یا نهاد کیفری یا اصلاحی ایالات متحد باشد در حالی که وی در حین انجام وظیفه بوده یا به سبب انجام وظیفه یا به واسطه سمت و جایگاه دولتی اش قربانی جرم ارتكابی شده باشد. مقصود از مامور مجری قانون، کارمندی دولتی است که به موجب قانون یا به وسیله یک سازمان دولتی یا کنگره به انجام یا مشارکت در پیشگیری، تحقیقات یا تعقیب یا قضاوت در مورد یک جرم به کار گرفته می شود و شامل اشخاصی می شود که در اصلاح و تربیت، آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات مشغول به کار هستند.

محکومیت قبلی به تعرض جنسی یا کودک آزاری

در صورتی که مرتکب جرم مشمول فصل ۱۰۹ الف (آزار جنسی^۱) یا فصل ۱۱۰ (آزار جنسی کودکان)، قبلاً به جرم تعرض جنسی^۲ یا کودک آزاری^۳ محکوم شده باشد، جرم ارتكابی اخیر وی را مستحق کیفر مرگ می کند. همان طور که مشخص است، نوع سابقه محکومیت در این زمینه مطمح نظر بوده است و جرم ارتكابی سابق کودک آزاری است و جرم ارتكابی دعوی در حال بررسی که می تواند مستوجب کیفر مرگ شود، باز کودک آزاری است.

فصل ۱۰۹ الف

فصل ۱۱۰

¹ Sexual abuse

² Sexual assault

³ Child molestation

قتل‌های متعدد یا شروع به قتل‌های متعدد

مرتکب یک جرم می‌تواند مشمول کیفر مرگ شود اگر به عمد بیش از یک شخص را در یک واقعه جنایی به قتل برساند یا شروع به قتل آنها کند.

نکته پایانی اینکه عوامل مشدد منحصراً به این مصادیق شانزده گانه نیستند بلکه قسم پایانی بند پ ماده ۳۵۹۲ به صراحت قید می‌کند که هیئت منصفه و در مواردی که هیئت منصفه وجود ندارد، دادگاه این اختیار را دارد که عامل مشدد دیگری که در پرونده مطرح شده است را مورد بررسی قرار دهد. بر اساس رای دیوان عالی این کشور در پرونده کانینگهام علیه کالیفرنیا در سال ۲۰۰۷^۱، دادگاه فدرالی به استثنای محکومیت‌های قبلی نمی‌تواند از عوامل مشدده برای اعمال کیفر شدیدتر از حد معمول استفاده کند مگر اینکه هیئت منصفه، آن عوامل را فراتر از تردید معقول، درست تشخیص دهد.^۲

بند دوم) الزامات صدور کیفر مرگ در جرم خیانت به کشور

خیانت به کشور به معنی نقض وفاداری به کشور متبوع خود.^۳ خیانت به کشور تنها جرمی است که در قانون اساسی آمریکا بدان تصریح شده است و ارکان سازنده آن با حساسیت تمام پیش بینی شده است. وانگهی، در ماده ۲۳۸۱ قانون فدرال ایالات متحد که قانون فدرال است با لحاظ موضع قانون اساسی، مجدد تصریح شده است. با این حال، در تاریخ حقوق جنایی این کشور چندان نشانی از صدور محکومیت بر مبنای این جرم دیده

¹ Cunningham v. California, 549 U.S. 270 (2007)

² Justia, Aggravating and Mitigating Factors in Criminal Sentencing Law, available at: <https://www.justia.com/criminal/aggravating-mitigating-factors/>

³ Lewis, David, *Breach of Allegiance: The History of Treason Charges in the U.S., and its Rebirth in the Age of Terrorism*, University of Central Florida, 2013, P. 54, HIM 1990-2015. 1503.

<https://stars.library.ucf.edu/honorstheses1990-2015/1503>

نمی‌شود و به روایت عده ای در جنگ جهانی دوم هیچ حکمی در مورد این جرم از ناحیه دادگاه‌های آمریکا صادر نشد.^۱

شق ۳ از ماده ۳ فصل سوم قانون اساسی به خیانت به کشور پرداخته و مقرر می‌دارد: «خیانت به ایالات متحد آمریکا صرفاً شامل جنگیدن علیه ایالات، یا پیوستن به دشمنان آنها، و کمک یا امان دادن به دشمنان آنهاست. هیچ شخصی را نمی‌توان به جرم خیانت به کشور محکوم کرد مگر اینکه به شهادت دو شاهد بر یک عمل آشکار یا اعتراف در دادگاه علنی.»^۲ کنگره اختیار تعیین کیفر برای شخص محکوم به خیانت به کشور را دارد اما محکومیت وی به بستگان وی تسری نمی‌یابد و صرفاً متوجه او در زمان حیاتش می‌شود. این ماده بسیار شبیه ادبیات قانون قدیم انگلستان یعنی قانون خیانت به کشور ۱۳۵۱^۲ بوده و از آن الهام گرفته است، با این تفاوت که بند مربوط به مرگ پادشاه از آن حذف شده و جای آن را «مردم»^۳ گرفته و نیز شرط ضرورت دو شاهد برای ادای شهادت در مورد ارتکاب فعل خیانت آمیز اضافه شده است.^۴

¹ Hazard, John N., and Stern, William, *Exterior Treason, A Study in Comparative Criminal Law*, the University of Chicago Law Review, P. 78, available at:

<https://chicagounbound.uchicago.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1621&context=uclev>

² Treason Act 1351

³ Dubber, Markus D., *the State as Victim: Treason and the Paradox of American Criminal Law*, p. 3, available at:

https://www.researchgate.net/publication/228154433_The_State_as_Victim_Treason_and_the_Paradox_of_American_Criminal_Law/link/5ac378a40f7e9bfc045feefd/download?_tp=eyJjb250ZXh0Ijpb7ImZpenN0UGFnZSI6InB1YmxpY2F0aW9uIiwicGFnZSI6InB1YmxpY2F0aW9uIn9

⁴Maurer School of Law, Indiana University, "Historical Concept of Treason: English, American," *Indiana Law Journal*: Vol. 35: Iss. 1, Article 4. 1959,

Available at: <https://www.repository.law.indiana.edu/ilj/vol35/iss1/4P.77>

ماده ۲۳۸۱ قانون فدرال ایالات متحد آمریکا نیز پیرو قانون اساسی در راستای تعیین اجزای سازنده این جرم و کیفر مقرر برای آن مقرر می‌دارد: «هر شخصی، در مقام شهروند ایالات متحد، علیه ایالات بجنگد یا به دشمنان آن بپیوندد، به آنها در داخل سرزمین ایالات متحد کمک کرده یا بدانها امان دهد، مرتکب خیانت به کشور شده و به مرگ یا حداقل پنج سال حبس و جزای نقدی تا ۱۰۰۰۰ دلار و محرومیت دایم از تصدی هر گونه منصبی محکوم می‌شود.»

الف) الزامات تحقق جرم خیانت به کشور

رفتار ارتكابی خیانت به کشور در قالب فعل قرار می‌گیرد. کمک به دشمن و یا امان دادن به دشمن، رفتار ارتكابی این جرم را در قالب فعل تشکیل می‌دهد. بر مبنای این ماده، مصادیق ارتكابی این جرم در دو چهره نمایان می‌شود.

اقدام به جنگ علیه ایالات متحد آمریکا و کمک به دشمن علیه ایالات متحد آمریکا. پیوستن به دشمن در متن ماده مزبور دو تفاوت عمده را به دست می‌دهد، یکی اینکه وقوع این جرم مستلزم این است که «دشمن» از رفتار ارتكابی جاسوس، منتفع شود. تعریف دشمن در این جرم به معنی «وجود یک قدرت خارجی در حال خصومت آشکار با آمریکا» است و دوم اینکه برای این امر، نیاز به وجود یک جنگ رسمی و اعلان شده به عنوان شرط ضروری تحقق این جرم است. در نتیجه، خیانت به کشور به منزله نقض معمولی وفاداری به آمریکا نیست. وانگهی، این خیانت در شدیدترین یا وخیم‌ترین شرایط یعنی در زمان جنگ است که باید رخ دهد و در ارتباط با دشمن آمریکا^۱ باشد.^۲

^۱ در جاسوسی مستوجب مرگ در این کشور، ابطله میان آمریکا و گیرنده اطلاعات فاقد اهمیت است.

^۲ Norwood, Ryan, *None Dare Call It Treason: The Constitutionality of the Death Penalty for Peacetime Espionage*, Cornell Law Review, Volume 87, Issue 3 March 2002, P. 847

خیانت به کشور مستلزم اثبات آسیب به امنیت ملی آمریکاست. وفق ماده ۳ قانون اساسی این کشور، دو عنصر مستقل برای تحقق خیانت به کشور نیاز است و آن پیوستن به دشمن و کمک و امان دادن است. این دو گزینه باید به همراه هم روی دهد و یکی بدون دیگری برای احراز این جرم کافی نیست. از این رو، متهمی که به قصد کمک به دشمن، به آن امان داده و بدان پیوسته، به تنهایی برای محکومیت وی به خیانت به کشور کافی نیست و باید ثابت شود که او به دشمن کمک مادی کرده و در نتیجه آن به آمریکا آسیب رسانده است. شهادت دو شاهد برای احراز این جرم ضروری است و این امر به مثابه یکی از شرایط تحقق جرم خیانت به کشور تبلور می‌یابد. ضرورت ادای شهادت دو تن برای احراز این جرم از این بابت بوده است که تدوین کنندگان قانون اساسی این کشور از این هراس داشتند که مبادا شهروندان آمریکایی در اثر تعصب پاره ای از تعقیب کنندگان آنها بر بنیاد این اتهام، به مرگ محکوم شوند و بر این مبنا، این شرط به مثابه سپری پیش بینی شده است تا مانع خودسری‌ها و تعصب‌های نابجا شده و از این طریق، جان شهروندان به خطر نیفتد. تمایزی میان مباشر جرم و شریک و معاون نیست و اتهام آنها و نیز کیفرشان همسان است.

عوامل ویژه تشدید کیفر به مثابه گزینه ای برای صدور کیفر مرگ ناشی از خیانت به

کشور

برای اینکه جرم خیانت به کشور احراز شود، جدای از اینکه رفتار ارتكابی و شرایط و اوضاع احوال پیرامون رفتار مزبور باید موجود باشد، وجود عوامل مشدده ویژه این جرم نیز ضرورت دارد. این عوامل^۱ عبارتند از:

^۱ 18 U.S.C. §§ 3592(a), (b).

سابقه ارتکاب خیانت به کشور

مرتکب پیشتر به جرم خیانت به کشور محکوم شده باشد که کیفر آن به موجب قانون، مرگ یا حبس ابد بوده باشد.

خطر شدید برای امنیت ملی

در ارتکاب این جرم، مرتکب آگاهانه خطری شدید برای امنیت ملی کشور ایجاد کرده باشد.

خطر شدید منتهی به مرگ

مرتکب در ارتکاب این جرم، خطری شدید منتهی به مرگ شخص دیگری ایجاد کرده باشد. از جنگ جهانی دوم تاکنون، هنوز کسی به این جرم محکوم نشده است. به نظر عده ای همچنان بخش اعظمی از مردم آمریکا معتقدند که جولیوس^۱ و اثل روزنبرگ^۲ که اطلاعات فوق محرمانه ای را در اختیار نیروهای شوروی سابق قرار دادند^۳ به خیانت به کشور محکوم شده اند در حالی که آنها به سبب عدم وجود دو شاهد که علیه آنها شهادت بدهند در سال ۱۹۵۱ به جرم جاسوسی مستوجب کیفر مرگ محکوم شدند.^۴ با این حال، الزامات ماهوی تحقق این جرم از یک سو اجزای سازنده مادی و ذهنی این جرم در پرتو قانون است و از سوی دیگر ضرورت وجود و احراز عواملی مشدد است که

¹ Julius

² Ethel Rosenberg

³ Crane, Paul T., *Does the Treason Clause Still Matter?* (Yes), available at: <https://constitutioncenter.org/the-constitution/articles/article-iii/clauses/39#does-the-treason-clause-still-matter>

⁴ Scheb, John M. and Scheb II, John M., *Criminal Law and Procedure*, Sixth Edition, Thomson Wadsworth, 2008, P. 313

ضرورت کیفر مرگ را نمایان می‌سازد، چندان که نبود این عوامل مشدد در کنار اجزای سازنده، منتهی به کیفر سبک‌تر از مرگ خواهد شد.

بند سوم: الزامات صدور کیفر مرگ در جرم جاسوسی

جرم جاسوسی یکی از جرایم علیه امنیت ملی آمریکاست. شناسایی کیفر مرگ برای جرم جاسوسی مربوط به سده اخیر نظام حقوق جنایی این کشور است. این نظام حقوقی، رویکردی دوگانه به این جرم با محوریت ارتکاب آن در زمان جنگ و صلح دارد. وقوع این جرم در زمان جنگ منتهی به کیفر مرگ می‌شود و این امر به قانون جاسوسی مصوب ۱۹۱۷^۱ این کشور برمی‌گردد و به واقع، قانون مزبور گویای این بوده که در ابتدای امر، جاسوسی در زمان صلح مشمول این کیفر شناخته نشده است. با این حال، با گذشت فقط چند دهه، قانون‌گذار جنایی این کشور، برای نخستین بار و در قانون جاسوسی و سابوتاژ مصوب ۱۹۵۴^۲ بود که کیفر مرگ برای جاسوسی غیرنظامیان در زمان صلح را نیز تصویب کرد،^۳ هرچند که تاکنون مستند به این قانون و از باب ارتکاب جرم جاسوسی در زمان صلح هیچ کس به کیفر مرگ محکوم نشده است. یکی از دلایل عدم تمایل به اجرای کیفر مرگ پیش‌بینی شده در قانون جاسوسی، عدم قطعیتی بود که در قانون اساسی وجود داشت. در سال ۱۹۷۲، دیوان عالی در پرونده فورمن علیه جورجیا، کیفر مرگ را در ۴۶ ایالت لغو کرد. در این راستا، پنج تن از اعضای دیوان مفاد این قانون را مغایر ممنوعیت مجازات ظالمانه و غیرعادی مندرج در اصلاحیه هشتم قانون اساسی دانستند. در مقابل، ایالت‌ها اقدام به تهیه طرح‌هایی کردند که رهنمودهایی را برای تعیین کیفر مرگ مدنظر داشت و

¹ 1917 Espionage Act

² Espionage and Sabotage Act of 1954

³Norwood, Ryan, *Op.cit.*, P. 825

بر این اساس، دادگاه‌ها در تعیین کیفر مرگ باید شرایط افزایشده یا کاهشده را بررسی می‌کردند و با احراز وجود آنها کیفر مرگ را تعیین یا از کیفر سبک‌تری استفاده می‌کردند. این رهنمودها بعداً در پرونده گرگ علیه جورجیا^۱ در سال ۱۹۷۶ از ناحیه دیوان به تصویب رسید.^۲ قانون اخیرالذکر به سبب تصمیم مذکور دیوان در پرونده فورمن، برای سالها معطل ماند و وقتی در سال ۱۹۸۴ یکی از دادگاه‌های منطقه ای فدرال به این موضوع پرداخت به این نتیجه رسید که صدور رای در این زمینه مستلزم قانون‌گذاری کنگره در خصوص رهنمودهای ناظر بر پرونده‌های کیفر مرگ است و این چنین شد که در سال ۱۹۹۴، قانون کیفر مرگ از سوی کنگره وضع شد و مجدد کیفر مرگ وارد گردونه نظام حقوق جنایی آمریکا شد. قانون مزبور در راستای پیروی از تصمیم پرونده فورمن، رهنمودهایی برای برخی جرایم مستوجب کیفر از جمله جاسوسی در زمان صلح وضع می‌کند. به واقع، این قانون دو دسته جرم جاسوسی در زمان صلح ایجاد می‌کند. در کنار این دو دسته، باید مورد دیگری نیز اضافه کرد که در زمان جنگ اتفاق می‌افتد.

بر این مبنای جاسوسی در نظام حقوق جنایی فدرال این کشور، در قالب یکی از سه مصداق اساسی باشد در ۷۹۴ بخش ۱۸ قانون ایالات متحد آمریکا، این سه مصداق بدین شرح هستند:

- جاسوسی جرمی مستوجب کیفر مرگ است اگر افشای اطلاعات ملی به قصد ایراد آسیب به ایالات متحد آمریکا یا کمک به دولت خارجی باشد و این افشا منجر به مرگ یک عامل آمریکایی شود.^۳ این مصداق، جرم مقید است.

^۱ Gregg v. Georgia.

^۲ *Ibid*, P. 827

^۳ 18 U.S.C. §§ 3591(a)(1); 794(a)

- دوم اینکه، جاسوسی، جرمی مستوجب کیفر مرگ است اگر افشای اطلاعات مربوط به سیستم‌های تسلیحات عمده یا عناصر راهبرد دفاعی ایالات متحد آمریکا به قصد آسیب به ایالات متحد آمریکا یا کمک به دولت خارجی باشد.^۱ این مصداق، جرم مطلق است در عین اینکه قصد نتیجه مدنظر است اما تحقق نتیجه نیازی نیست.

- سوم اینکه، جاسوسی، جرمی مستوجب کیفر مرگ است اگر انتقال اطلاعات دفاعی ملی به دشمن در زمان جنگ باشد.^۲ این مصداق، جرم مطلق است.

عامل پیش بینی مصداق دوم جاسوسی در زمان صلح به دستگیری آلدریچ آمز^۳ تحلیلگر عالی رتبه سیا برمی گردد که حدود ده سال به عنوان جاسوس برای کا.گ.ب روسیه کار کرده بود و در این مدت اسامی‌های روس‌هایی که برای آمریکا کار می‌کردند را به سازمان اطلاعات شوروی می‌داد و این اقدام وی منتهی به مرگ چندین مامور سیا شد.^۴

الف) الزامات تحقق جرم جاسوسی بر اساس مصادیق آن

در کنار کیفر مرگ، کیفر حبس ابد یا حبس کمتر از ابد نیز برای این جرم شناسایی شده است. لذا، همه مصادیق ارتكابی جاسوسی مشمول کیفر مرگ نمی‌شود و برای اینکه این کیفر قابل صدور باشد باید شرایطی در تحقق جرم جاسوسی مطروحه روی داده و به اثبات برسد که در ادامه بر مبنای مصادیق این جرم به آن‌ها پرداخته می‌شوند.

¹ 18 U.S.C. §§ 3591(a)(1), 794(a)

² 18 U.S.C. §§ 3591(a)(1), 794(b)

³ Aldrich Ames

⁴ Norwood, Ryan, *Op.cit.*, P. 828

جاسوسی از رهگذر افشای اطلاعات ملی به قصد ایراد به کشور یا کمک به دولت خارجی

وفق بند الف ماده ۷۹۴ بخش ۱۸ قانون ایالات متحد آمریکا، «هر شخصی که با قصد یا دلیلی بر این باور که قرار بوده هر سند، نوشته، کتاب رمزی یا علامت گذاری شده، طرح، عکس، نگاتیو، عکاسی، نقشه، یادداشت، ابزار، وسیله یا اطلاعات مربوط به دفاع ملی برای آسیب به ایالات متحد یا به نفع کشور خارجی استفاده شود و وی بدین منظور با هر دولت خارجی یا هر جناح یا حزب یا نیروی نظامی یا دریایی در داخل کشور خواه از ناحیه ایالات متحد به رسمیت شناخته شده باشد یا نه یا با هر نماینده، افسر، عامل، کارمند، تابع یا شهروند آن کشور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، ارتباط برقرار کرده یا هر یک از گزاره‌های مذکور را تحویل داده یا مخابره کرده باشد یا اینکه شروع به انجام هر یک از این موارد کرده باشد، به کیفر مرگ یا حبس ابد یا کمتر از ابد محکوم می‌شود...»^۱

مطابق شق پایانی ماده مزبور، کیفر مرگ صرفاً زمانی صادر می‌شود که هیئت منصفه یا در صورت نبود هیئت منصفه، دادگاه^۲ تشخیص دهد که جرم مزبور منجر به شناسایی یک شخص در خدمت ایالات متحده آمریکا از ناحیه دولت خارجی شود و در نتیجه منتهی به مرگ آن شخص شود یا جرم مزبور به طور مستقیم مربوط به تسلیحات هسته‌ای، فضاپیماها یا ماهواره‌های نظامی، سیستم‌های فشار اولیه یا سایر وسایل دفاعی یا تلافی

۱. به موجب ماده ۵۰۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ کشورمان، «هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتیکه محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.»

۲. در این خصوص گفتنی است که متهم به جرمی که مستوجب کیفر مرگ است از این اختیار برخوردار است که برگزیند که محاکمه وی با حضور هیئت منصفه باشد یا بدون هیئت منصفه. لذا، وقتی که خواهان حضور هیئت منصفه باشد، این هیئت است که در صورت تشخیص مجرمیت وی، کیفر تعیین می‌کند و در صورت عدم تمایل به محاکمه در حضور هیئت منصفه، نقض تعیین کیفر را دادگاه بازی می‌کند.

جویانه در برابر حملات در مقیاس کلان، طرح‌های جنگی، اطلاعات ارتباطی یا رمزنگاری یا هر گونه سیستم تسلیحاتی مهم دیگر یا عنصر اصلی استراتژی دفاعی باشد. بنا بر موارد مذکور، شروع به جرم منتهی به کیفر مرگ نمی‌شود زیرا بنا بر مصادیق ذیربط شق پایانی این ماده، اقدام مرتکب باید منتهی به مرگ عامل شناسایی شده شود یا اینکه اقدامات ارتكابی شخص مربوط به یکی از مواردی مانند تسلیحات هسته‌ای و دیگر موارد مورد اشاره در این ماده باشد^۱ و با لحاظ این گزینه‌ها، امکان تعیین کیفر مرگ در زمانی که صرفاً شروع به این جرم روی داده است، نمی‌شود.

بر این مبنای، در ارتباط با مصداقی که اقدام شخص مرتکب منتهی به شناسایی عامل تحت خدمت ایالات متحد آمریکا می‌شود، جرم مقید می‌شود و باید در اثر رفتار ارتكابی، مرگ عامل در قالب قتل وی از ناحیه دولت خارجی روی دهد تا کیفر مرگ برای مرتکب به همراه داشته باشد اما در سایر موارد، اقدامات ارتكابی شخص متهم مستلزم وقوع نتیجه‌ای نیست و صرف انجام رفتار از ناحیه وی بدون تحقق نتیجه‌ای در اثر رفتار وی، کامل می‌شود. لذا، این حالت به واقع، جرمی مطلق است. در نتیجه می‌توان دریافت که بسته به حالت‌های مورد تصور، گاه این مصداق از جاسوسی جرمی مقید می‌شود و گاهی نیز مطلق.

^۱ قانون‌گذار جناب‌ای ایرانی در این خصوص، از سیاست کیفری با تسامحی در مقایسه با رویکرد اتخاذی ایالات متحد آمریکا برخوردار است. از یکسو در موارد کیفر مرگ که در چارچوب جاسوسی ارتكاب یابد را در قالب جرم حدی محاربه جای داده است و از سوی دیگر، به رغم اینکه در حقوق جنایی فدرالی آمریکا، کل اموال و عواید حاصل از جاسوسی برای محکوم را در این مصداق مصادره می‌کند اما در نظام حقوق جنایی ایران، این رویکرد اتخاذ نشده است. جهت ایرادهای وارد به این رویکرد بنگرید به: عقیق، سیدروح الله، «نارسایی تقنینی بزه جاسوسی در قانون مجازات اسلامی در مقایسه با قانون مجازات فرانسه»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، اسفند ۱۴۰۲، صفحه ۹۷ تا ۱۳۴.

با اینکه در یک وضعیت، جرم مزبور مقید به نتیجه است اما بند الف ماده ۷۹۴ قید نکرده است که قصد جاسوس باید مشخصاً مرگ یک مامور یا ماموران آمریکایی باشد.^۱ مرگ مدنظر این بند، هم شامل مرگ یک مامور آمریکایی و هم مرگ شخصی غیرآمریکایی که در خدمت آمریکا باشد می‌شود.

وانگهی، قصد کمک به دولت خارجی به معنی ضرورت کمک به دولت خارجی یا احراز این کمک نیست و

افزون بر این، ضرورت تحقق آسیب به آمریکا برای وقوع این جرم مطرح نیست و صرفاً احتمال آسیب به آمریکا کفایت می‌کند. در نتیجه، ایراد آسیب به امنیت ملی آمریکا ضرورت ندارد و به جای آسیب بالفعل، آسیب بالقوه به امنیت ملی وافی به مقصود است. در این جرم برخلاف جرم خیانت به کشور که ورود بالفعل آسیب به امنیت ملی باید احراز گردد، آسیب شخص حقیقی که مامور آمریکایی یا در شخص خارجی در خدمت دولت آمریکاست مدنظر است از سوی دیگر، در این جرم، نیازی نیست که مرتکب تقریباً بابت آسیب وارده، مسئول باشد.

جاسوسی در زمان جنگ

در مورد این مصداق، قانون‌گذار فدرالی آمریکا، تمایزی میان سه کیفر مقرر مرگ، حبس ابد و کمتر از ابد قائل نشده است و لذا، هیئت منصفه یا دادگاه تصمیم‌گیرنده در مواردی که هیئت منصفه حضور ندارد، اختیار دارد که هر یک از مصادیق سه گانه مذکور در این بند را برگزیند. با این حال، برای این که کیفر مرگ صادر شود باید در کنار عناصر سازنده مادی و ذهنی قانونی مقرر، باید یکی از عوامل تشدید کیفر که از منظر قانون‌گذار جنایی فدرال مختص این جرم شناسایی شده است، وجود داشته باشد.

¹ Norwood, Ryan, *Op.cit.*, P.842

وفق بند ب ماده ۷۹۴ در بخش ۱۸ قانون ایالات متحد آمریکا، هر شخصی در زمان جنگ به قصد اطلاع رسانی به دشمن، اطلاعاتی را در رابطه با حرکت، تعداد، توصیف، شرایط یا وضعیت هر یک از نیروهای مسلح، کشتی ها، هواپیماها یا دیگر اقلام جنگی ایالات متحد آمریکا جمع آوری، ثبت، انتشار یا مخابره کند یا شروع به هر یک از این موارد کند یا در رابطه با طرح ها یا اقدامات یا طرح ها یا اقدامات احتمالی هر عملیات دریایی یا نظامی یا در رابطه با هر کار یا اقدام اتخاذی برای استحکام یا دفاع از هر مکان انجام شود یا در ارتباط با آن باشد یا برای استحکام یا دفاع از هر مکان در نظر گرفته شده باشد یا هرگونه اطلاعات دیگر مربوط به دفاع عمومی که ممکن است برای دشمن مفید باشد یا هر یک از رفتارهای مذکور را انجام دهد یا شروع به آنها بکند، به کیفر مرگ یا حبس ابد یا کمتر از ابد محکوم می شود.^۱

تبانی برای ارتکاب هر یک از مصداق این جرم مشمول کیفر این جرم می شود. بند ج این ماده مقرر می دارد که اگر دو یا چند تن برای نقض مفاد این ماده و یا یک یا چند تن از این اشخاص اقدامی در جهت تحقق هدف تبانی انجام دهند، هر یک از این اشخاص ذی مدخل در این تبانی مشمول مجازات جرمی می شوند که چنین تبانی ای برای آن صورت گرفته است.

عوامل ویژه تشدید کیفر به مثابه گزاره ضروری برای صدور کیفر مرگ در جرم جاسوسی

برای اینکه کیفر مرگ در جرم جاسوسی تعیین گردد، علاوه بر عناصر سازنده فوق الذکر، لازم است که دست کم یک عامل مشدده کیفر که قانون گذار جنایی دولت فدرال در نظر

^۱ به موجب ماده ۵۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ کشورمان، «هرکس یا گروه در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد.»

دارد، وجود داشته باشد. در غیر این صورت، باید دیگر کیفرهای مقرر قانونی که حبس ابد یا حبس کمتر از ابد بوده، صادر شود. به واقع، از منظر قانون‌گذار جنایی فدرال، احراز وجود عوامل مشدده در وقوع جرم جاسوسی و سایر جرایم مستوجب کیفر مرگ، تعیین و اجرای این نوع کیفر را توجیه می‌کند.

بند ب ماده ۳۵۹۲ قانون ایالات متحد آمریکا، عوامل مشدده دو جرم جاسوسی و خیانت به کشور را متفاوت از عوامل مشدده جرایم منتهی به مرگ بزه‌دیده پیش بینی کرده است. در نتیجه، مقنن جنایی دولت فدرال، در بند ب در مورد جرم جاسوسی به عوامل مشدده خاص این جرم می‌پردازد. این عوامل مشدده ویژه^۱ عبارتند از:

سابقه ارتکاب جاسوسی

مرتکب پیشتر به جرم جاسوسی محکوم شده باشد که کیفر آن به موجب قانون، مرگ یا حبس ابد بوده باشد. البته، در پرونده کوکر^۲، این نکته تاکید شد که مقصود از ارتکاب قبلی جرم جاسوسی، سایر مصادیقی که مستوجب کیفر مرگ نبوده، نیست و تنها زمانی سابقه ارتکاب جرم جاسوسی می‌تواند صدور کیفر مرگ را توجیه کند که جرم جاسوسی سابق نیز مستوجب کیفر مرگ بوده باشد^۳ اما قانون مزبور از سخت‌گیری پرونده کوکر دست کشیده و کیفر حبس ابد را در کنار مرگ برای جرم جاسوسی سابق در نظر گرفته است.

خطر شدید برای امنیت ملی

در ارتکاب این جرم، مرتکب آگاهانه خطری شدید برای امنیت ملی کشور ایجاد کرده باشد.

¹ 18 U.S.C. §§ 3592(a), (b).

² Coker

³ Norwood, Ryan, *Op.cit.*, P. 850

خطر شدید منتهی به مرگ

مرتکب در ارتکاب این جرم، خطری شدید منتهی به مرگ شخص دیگری ایجاد کرده باشد. بر اساس مفاد این بند، وقتی که مرتکب به جرم جاسوسی متهم می شود، وکیل دولت فدرال اگر تشخیص دهد که شرایط قانونی برای صدور کیفر مرگ برای متهم وجود دارد تقاضای خود را تقدیم دادگاه می کند و دادگاه در مواردی که بدون حضور هیئت منصفه تشکیل می شود یا هیئت منصفه در مواردی که دادگاه با حضور آن هیئت تشکیل می شود، باید در کنار عوامل دیگر نظیر عوامل مخففه مورد ادعای متهم، به این عوامل مشدده مطروحه از ناحیه دولت فدرال توجه کرده و آنها را در بوته آزمون قرار دهد. زیرا برای اینکه آن هیئت یا دادگاه در فرض احراز مجرمیت مرتکب اقدام به تعیین کیفر کند و تصمیم آن هیئت یا دادگاه مبنی بر صدور کیفر مرگ باشد، احراز وجود یکی از این عوامل ضروری است. وفق بند (د) ماده ۳۵۹۳ قانون مزبور، قاضی یا هیئت منصفه باید دست کم یکی از این عوامل مشدده را ورای تردید معقول و پیش از صدور کیفر مرگ احراز نمایند.^۱ به واقع، این عوامل مشدده عاملی در تشدید کیفر هستند و عاملی به مثابه جزء سازنده جرم جاسوسی نیست. به دیگر سخن، عامل مشدده، عاملی برای تشدید جرم ارتكابی نیست و صرفاً عاملی برای تشدید کیفر جرم ارتكابی است.

بند چهارم: الزامات ماهوی صدور کیفر مرگ در جرم موادمخدر در سطح کلان و سردستگی آن

برخی از جرایم کلان موادمخدر که در قالب رفتار مجرمانه مستمر روی می دهد و نیز سردستگی در این جرایم، مصداق چهارم از جرایم مستوجب کیفر مرگ در نظام حقوق جنایی دولت فدرال است که در ادامه به الزامات ماهوی این جرایم با تمرکز بر نص قانونی

^۱ 18 U.S.C. § 3593(d) (1994).

و عوامل مشدده ویژه این دست جرایم که منتهی به صدور کیفر مرگ برای مرتکب می شود، پرداخته می شود.

الف) الزامات صدور کیفر مرگ برای جرم موادمخدر در سطح کلان و سردسته گروه در پرتو نص قانون

بند ب ماده ۳۵۹۱ قانون ایالات متحد آمریکا در دو شق ۱ و ۲ به ترتیب به کیفر مرگ استحقاقی برای شخصی که فعالیت مرتبط با موادمخدر در سطح کلان می کند (شق ۱) و برای شخصی که سردسته یک گروه مجرمانه که فعالیت جنایی مستمر در ارتباط با موادمخدر دارند (شق ۲) تصریح می کند.

به موجب شق (۱) بند ب ماده ۳۵۹۱، کیفر مرگ متوجه شخصی است که مرتکب جرم مورد اشاره در شق ۱ بند پ ماده ۴۰۸ قانون مواد کنترل شده (قانون پیشگیری و کنترل مواد مخدر کنترل شده مصوب ۱۹۷۰) بوده که به منزله بخشی از رفتار مجرمانه سازمان یافته مستمر وفق شرایط تشریحی در بند (ب ۲ الف) یا دو برابر دریافتی ماده ناخالص تشریحی در بند ب ۲ باشد. این وضعیت ناظر بر شخصی است که جایگاه سردستگی را ندارد و بلکه کیفر مرگ برای وی به سبب حجم بالای ماده مخدر مکشوفه از او در راستای فعالیت مجرمانه مستمر وی در این خصوص است که در اینجا جرم مواد مخدر در سطح کلان از یک سو و فعالیت مستمر وی در این زمینه از سوی دیگر است که موضوعیت دارد و منبع صدور کیفر برای وی محسوب می شود.

به زبان ساده تر، ماده ۴۰۸ قانون پیشگیری و کنترل مواد مخدر کنترل شده که موسوم به قانون مواد کنترل شده است، به ممنوعیت رفتاری تاکید دارد که انجام آن جرم بوده و این رفتار در بند پ ماده ۸۴۸ در صورتی که به شکل رفتاری مستمر از ناحیه یک شخص در قالب حجم بالای مواد مخدر روی دهد مشمول کیفر مرگ برای مرتکب می شود.

در صورتی که فعالیت مستمر مزبور در قالب یک گروه مجرمانه روی دهد، سردسته این گروه مجرمانه نیز وفق شق ۲ همین بند از ماده ۵۳۹۱ در صورت انجام رفتاری مشخص که در این ماده بدان تصریح شده، کیفر مرگ می تواند مجازات استحقاقی وی شناخته شود و این هیئت منصفه یا دادگاه در صورت عدم حضور هیئت منصفه است که با احراز این مسئله مجازات مرگ را برای مرتکب شق ۱ سردسته شق ۲ به ارمغان می آورد.

شق (۲) بند ب مذکور درباره سردستگی گروه مجرمانه مقرر می دارد که مرتکب شق ۲ با لحاظ سایر شرایط ضروری مورد اشاره در ماده ۵۱۹۲ و ۵۱۹۳ مستحق کیفر مرگ است جایی که متهم، مدیر اصلی، سازمان دهنده یا رهبر چنین فعالیتی است و به منظور جلوگیری از تحقیقات یا تعقیب این رفتار مجرمانه یا جرم ارتكابی اقدام به کشتن یا هدایت، مشاوره، تجویز یا مساعدت آگاهانه به دیگری در راستای اقدام به کشتن مأمور دولتی، هیئت منصفه، شاهد یا اعضای خانواده یا خانواده چنین شخصی می کند. تنها استثنای این دو شق، استثنای سنی است که مرتکب اگر زیر ۱۸ سال باشد، مشمول این کیفر نمی شود.^۱

وفق بند ث ماده مزبور، هر شخصی که درگیر یک فعالیت مجرمانه مستمر بوده یا در پیشبرد آن فعال است یا هر شخصی که درگیر جرم مستوجب کیفر وفق شق ۱ الف ب از بند ب ماده ۸۴۱ یا شق ۱ از بند ب ماده ۹۶۰ این قانون بوده که در راستای آن از روی عمد شخصی را بکشد یا دستور دهد که آن شخص را بکشند یا اینکه دیگری را به کشتن او ترغیب کند یا شرایط کشتن او را فراهم سازد یا موجب کشتن عمدی او شود و چنین کشتنی روی دهد، به کیفر حبس بیش از؟ سال، حبس ابد یا مرگ محکوم می شود.

^۱ 21 U.S. Code § 859 - Distribution to persons under age twenty-one

افزون بر این، به موجب بند ب، هر شخصی که در حین ارتکاب یا پیشبرد جرم مشمول این فصل یا فصل دوم، یا در حین اقدام به اجتناب از دستگیری، تعقیب یا اجرای حکم زندان به سبب ارتکاب جرم مزبور، از روی عمد مامور مجری قانون فدرالی یا ایالتی یا محلی که وظیفه قانونی اش چنین کاری است را در حین انجام این وظیفه یا به واسطه آن بکشد یا دستور کشتن آن را بدهد یا اینکه دیگری را به کشتن او ترغیب یا دلالت دهد یا شرایط کشتن او را فراهم سازد یا موجب کشتن عمدی او شود و چنین کشتنی روی دهد، به کیفر حبس بیش از؟ سال، حبس ابد یا مرگ محکوم می شود.

موضوع جرم ماده ۴۸۱ تولید، عرضه، توزیع یا داشتن مواد مخدر کنترل شده یا تقلبی است که به صورت عمدی و به قصد تولید و عرضه و توزیع از ناحیه مرتکب به انجام می رسد.^۱ جرم موضوع ماده ۹۶۰ واردات و صادرات عمدی و آگاهانه مواد مخدر کنترل شده، حمل و داشتن مواد مزبور در کشتی، هواپیما یا وسیله نقلیه و نیز تولید یا داشتن به قصد توزیع یا توزیع مواد مخدر مورد اشاره است.

وفق بند مواد مزبور، انجام جرایم مزبور در هر دو ماده موجب کیفر مقرر از جمله حبس دراز مدت یا ابد یا جزای نقدی برای مرتکب می شود و بسته به نوع ماده مخدر و حجم آن این کیفر تعیین می شود. زمانی که این جرم در پوشش شق ۱ و ۲ بند ب ماده ۵۳۹۱ روی دهد، کیفر مرگ برای مرتکب به همراه دارد. مطابق شق ۱ الف ب از بند ب ماده ۸۴۱ و نیز شق ۱ از بند ب ماده ۹۶۰ نوع مواد مخدر و حجم آنها که به شکل همسان پیش بینی شده به این شرح است:

- (۱) یک کیلوگرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص هروئین
- (۲) پنج کیلوگرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص

^۱ [https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=\(title:21%20section:841%20edition:prelim\)](https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=(title:21%20section:841%20edition:prelim))

- ۳) برگ‌های کوکا، به استثنای برگ‌های کوکا و عصاره‌های برگ‌های کوکا که کوکائین، اکگونین و مشتقات اکگونین یا نمک‌های آن‌ها از آنها حذف شده است
- ۴) کوکائین، نمک‌های آن، ایزومرهای نوری و هندسی، و نمک‌های ایزومرها
- ۵) اکگونین، مشتقات آن، نمک‌های آنها، ایزومرها و نمک‌های ایزومرها. یا
- ۶) هر ترکیب، مخلوط یا آماده‌سازی که حاوی هر مقداری از هر یک از مواد ذکر شده در بندهای فرعی (۱) تا (۳) باشد
- ۷) ۲۸۰ گرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده شرح داده شده در بند (۲) که حاوی پایه کوکائین است
- ۸) ۱۰۰ گرم یا بیشتر فن سیکلیدین یا ۱ کیلوگرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص فن سیکلیدین
- ۹) ۱۰ گرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص اسید لیسرژیک دی اتیل آمید
- ۱۰) ۴۰۰ گرم یا بیشتر ماده خالص یا مخلوط حاوی مقدار قابل تشخیص ان فنلی ان پروپاندامین یا ۱۰۰ گرم یا بیشتر ماده مخلوط خالص حاوی مقدار قابل تشخیص مذکور
- ۱۱) ۱۰۰۰ کیلوگرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص ماری جوانا، یا ۱۰۰۰؟ یا بیشتر گیاه ماری جوانا بدون در نظر گرفتن وزن؛ یا
- ۱۲) ۵۰ گرم یا بیشتر مت‌آفتامین، نمک‌ها، ایزومرها، و نمک‌های ایزومرهای آن یا ۵۰۰ گرم یا بیشتر از مخلوط یا ماده حاوی مقدار قابل تشخیص مت‌آفتامین، نمک‌ها، ایزومرها، یا نمک‌های ایزومرهای آن.

بنابراین، اگر جرم موضوع هر یک از دو ماده ۴۸۱ و ۹۶۰ در قالب یک فعالیت مجرمانه مستمر روی دهد، مرتکب به صورت شخصی یا در قالب سردسته جرم مزبور با عنایت به مفاد شق ۱ و ۲ و وجود شرایط مقرر به کیفر مرگ محکوم می شوند.

ب) عوامل مشدده خاص ناظر بر جرم کلان موادمخدر مستوجب کیفر مرگ و سردستگی آن

برای اینکه حکم کیفر مرگ برای جرمی که در بند ب ماده ۳۵۹۱ که مربوط به سردستگی در قاچاق موادمخدر بوده، موجه باشد، دادگاه رسیدگی کننده یا، هیئت منصفه در صورت وجود، عوامل مشدده زیر را بررسی کند و در صورتی می تواند حکم به این کیفر بدهد که وجود دست کم یکی از این عوامل را احراز کند.

محکومیت قبلی به جرمی که کیفر آن حبس ابد یا اعدام بوده است.

مرتکب قبلاً به جرم دیگری خواه در حوزه فدرالی یا ایالتی که منجر به مرگ دیگری شده و کیفر قانونی آن، حبس ابد یا مرگ بوده باشد، محکوم شده باشد.

محکومیت قبلی به سایر جرایم شدید، ساخت یا توزیع ماده مخدر کنترل شده

مرتکب قبلاً به دو یا چند جرم فدرالی یا ایالتی مستوجب کیفر بیش از یک سال حبس مربوط به واردات، ساخت یا توزیع یک ماده کنترل شده مورد تعریف در ماده ۱۰۲ قانون مواد کنترل شده محکوم شده باشد یا آسیب شدید جسمانی یا مرگ به دیگری وارد کرده یا شروع به آن کرده و بدان محکوم شده باشد.

به موجب ماده ۱۰۲ قانون مواد کنترل شده که در قالب ماده ۸۰۲ قانون ایالات متحد قرار گرفته است، مواد کنترل شده به معنی دارو یا ماده دیگر یا پیش ساز فوری مورد تصریح در جدول یک، دو، سه، چهار یا پنج قسمت ب این قانون است. وانگهی شامل مشروبات الکلی

مقطر، شراب، نوشیدنی‌های مالت یا تنباکو نمی‌شود.^۱ به موجب شق ۱ بند پ ماده ۳۲۱ از بخش ۲۱ قانون ایالات متحد، دارو عبارت است از موادی است که در دارونامه یا فاکوپه رسمی ایالات متحد، یا فاکوپه هوموپارتی این کشور یا فرمول رسمی ملی یا هر مکمل دیگری برای آنها به رسمیت شناخته شده است و نیز موادی که برای استفاده در تشخیص، درمان، کاهش، درمان یا پیشگیری از بیماری در انسان یا سایر حیوانات طراحی شده است.^۲

محکومیت قبلی به جرم ماده مخدر شدید

متهم قبلاً به سبب یک جرم دیگر فدرالی یا ایالتی مربوط به ساخت، توزیع، واردات یا داشتن یک ماده مخدر کنترل شده، مجرم شناخته شود که کیفر قانونی پنج یا بیشتر از پنج سال حبس را به همراه داشته باشد.

استفاده از سلاح گرم

در ارتکاب جرم یا در پیشبرد یک فعالیت مجرمانه مستمر که جزء بخشی از آن بوده، متهم از سلاح گرم استفاده کرده یا آگاهانه دیگری را ارشاد کرده، مشاوره داده، کمک کرده یا مجاز دانسته است تا از سلاح گرم برای تهدید، ارباب یا ایراد آسیب به دیگری استفاده کند.

توزیع مواد مخدر میان اشخاص زیر ۲۱ سال

این جرم یا یک فعالیت سازمان یافته مجرمانه مستمر که جرم بخشی از آن بوده شامل رفتاری ممنوعه مورد اشاره در ماده ۴۱۸ قانون ماده مخدر کنترل شده است که به طور مستقیم توسط مرتکب انجام شده است.

¹ 21 U.S. Code § 802 - Definitions, see: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/21/802>

² 21 U.S. Code § 321 (g)(1)

این رفتار ممنوع ماده ۴۱۸ قانون مزبور که در قالب ماده ۸۵۹ بخش ۲۱ قانون ایالات متحد قرار گرفته اشاره با توزیع موادمخدر نسبت به اشخاص زیر ۲۱ سال دارد. ماده مذکور مقرر می‌دارد که هر شخصی که دارای حداقل ۱۸ سال است، اقدام به توزیع موادمخدر کنترل شده در میان اشخاص زیر ۲۱ سال نماید، در صورتی که برای بار اول باشد، محکوم به کیفر مقرر می‌شود محکوم به دو برابر حداکثر کیفر مقرر در بند (ب) ماده ۸۴۱ دست کم دو برابر دوره آزادی تحت نظارت مجاز در بند (ب) ماده ۸۴۱ و مدت حبس نیز نباید کمتر از یک سال باشد.^۱ بر مبنای بند (ب) همین ماده ۸۵۹، در صورتی که رفتار مزبور برای بار دوم باشد و مرتکب واجد سابقه قبلی از همین بابت باشد میزان کیفر وی افزایش یافته و به سه برابر کیفر مقرر محکوم می‌شود.

توزیع موادمخدر در نزدیکی مدارس

این جرم یا یک فعالیت سازمان یافته مجرمانه مستمر که جرم بخشی از آن بوده شامل رفتاری ممنوعه مورد اشاره در ماده ۴۱۹ قانون موادمخدر کنترل شده است که به طور مستقیم توسط مرتکب انجام شده است.

ماده ۴۱۹ در سیمای ماده ۵۶۰ بخش ۲۱ قانون ایالات متحد نمودار شده و بر منع توزیع موادمخدر در نزدیکی مدارس تصریح می‌کند.^۲ بر اساس این ماده، هر شخصی که برای بار اول مفاد شق ۱ بند الف ماده ۸۴۱ یا ماده ۸۵۶ این قانون را که ناظر بر توزیع، داشتن به قصد توزیع یا ساخت ماده کنترل شده در بیرون یا خارج از فاصله هزار فوتی از اموال غیرمنقولی نظیر مدارس ابتدایی، حرفه ای، یا متوسطه دولتی و خصوصی یا کالج دولتی

^۱ با این حال، به موجب همین ماده، مقررات حداقل کیفر اجباری این ماده در مورد جرایم مربوط به ۵ گرم یا کمتر از ۵ گرم ماریجوانا اعمال نمی‌شود.

^۲ 21 U.S. Code § 860 - Distribution or manufacturing in or near schools and colleges

و خصوصی، دانشگاه، زمین‌های بازی یا مکان‌های سرگرمی دولتی یا در فاصله ۱۰۰ فوتی از مراکز دولتی یا خصوصی جوانان، استخرهای شنای عمومی یا مکان‌های بازی ویدیویی بوده، نقض کند، به دو برابر حداکثر مجازات مقرر در بند ب ماده ۸۴۱ و دو برابر دوره آزادی تحت نظارت محکوم می‌شود. در صورتی که برای بار دوم، مرتکب دست به این اقدامات بزند و محکومیت قبلی وی قطعی شده باشد، به حبس حداقل سه سال تا ابد یا سه برابر حداکثر مجازات مقرر در بند (ب) ماده ۸۴۱ برای بار اول محکوم می‌شود. جزای نقدی نیز در کنار حبس می‌تواند برای مرتکب تعیین شود و حداقل کیفر حبس نیز نباید از سه سال کمتر باشد.

استفاده از خردسالان در قاچاق

این جرم یا یک فعالیت سازمان یافته مجرمانه مستمر که جرم بخشی از آن بوده شامل رفتار ممنوعه مورد اشاره در ماده ۴۲۰ قانون موادمخدر کنترل شده است که به طور مستقیم توسط مرتکب انجام شده است.

ماده ۴۲۰ قانون مزبور در ماده ۵۶۱ قانون ایالات متحد جای گرفته و بر استفاده از اشخاص زیر ۱۸ سال در فعالیت‌های مربوط به موادمخدر^۱ تکیه دارد. وفق این ماده، هر شخصی که حداقل ۱۸ سال داشته باشد اگر آگاهانه و به عمد اقدام به یکی از اقدامات زیر نماید، رفتار وی جرم بوده و مستوجب کیفر برای اوست: (۱) استخدام، اجاره، استفاده، متقاعد، ترغیب، تشویق، اجبار کند یک شخص زیر ۱۸ سال را به نقض مفاد بخش ۲۱ قانون ایالات متحد که ناظر بر جرایم موادمخدر بوده یا به کمک به جلوگیری از کشف یا دستگیری بابت هر جرمی پیش بینی شده در بخش ۲۱ مزبور توسط یک مأمور قانونی فدرالی، ایالاتی یا محلی یا دریافت یک ماده مخدر کنترل شده از یک شخص زیر

^۱ Employment or use of persons under 18 years of age in drug operations

۱۸ سال به غیر از یکی از اعضای درجه اول خانواده که مشمول جرایم مواد مخدر مذکور باشد.

کیفر این جرم برای بار اول دو برابر حداکثر مجازات مقرر و دو برابر حداکثر دوره آزادی تحت نظارت بوده و برای بار دوم این میزان به سه برابر افزایش می یابد.

ماده تقلبی کشنده

در صورتی که مرتکب در راستای ارتکاب جرایم مواد مخدر از ماده تقلبی کشنده^۱ بهره گرفته و بدان آگاه باشد، کیفر رفتار جنایی ارتكابی اش، مرگ خواهد بود. بدین سان، این جرم شامل واردات، ساخت یا توزیع یک ماده مخدر کنترل شده قانونی حاوی یک ماده بالقوه کشنده بوده و مرتکب از حضور این ماده کشنده آگاه بوده باشد.

^۱ Lethal adulterant

نتیجه گیری

در نظام حقوق جنایی دولت فدرال آمریکا، محدودیت شمار جرایم مستوجب کیفر از نظر عنوان به چهار مصداق می‌تواند به نوعی حساسیت مسئله و درک قانون‌گذار جنایی مزبور نسبت به اهمیت کیفر مرگ را نمایان سازد. با این حال، توسیع دامنه مصادیق پاره‌ای از این جرایم به ویژه، مصداق قتل به مفهوم عام آن که در نگاه دولت فدرال آمریکا در سه جلوه، قتل عمدی، کشتن و مرگ ظاهر شده و قریب ۶۰ مصداق را به خود اختصاص می‌دهد، نشان از این دارد که در میان توجه این دولت به ضرورت رعایت اصل کمینه یا حداقلی حقوق کیفری در وادی حقوق و آزادی‌های شهروندان از جمله سلب حیات آنها، در راستای تأمین امنیت جامعه چاره‌ای جز بهره‌گیری از راهبرد پیشروی نداشته و در میان رویکردهای امنیت‌مداری و حقوق‌مداری، در این زمینه، امنیت‌مداری قدری گوی سبقت را از حقوق‌گرایی ربوده است.

از سوی دیگر، عوامل مشدده برای تعیین کیفر، جدای از شکل‌گیری تام جرم مستوجب کیفر مرگ، در زمره ویژگی‌های خاص نظام حقوق جنایی فدرال آمریکا در مورد جرایم مزبور است. با اینکه می‌توان نمونه‌هایی از مواردی که عامل مشدده می‌تواند کیفر تعیین برای یک جرم خاص را در نظام حقوق جنایی مان‌مبدل به مرگ کند اما تمایز بارز در این امر است که این تصمیم‌گذار جنایی دولت فدرال آمریکا در مقام یک سیاست‌جنایی مشخص نمایان می‌شود که جنبه موردی نداشته و بلکه به مثابه یک قاعده در مورد تمامی جرایمی که مستوجب کیفر مرگ شناخته شده‌اند قابلیت اعمال دارد، چندانکه نبود این عوامل منتهی به کیفر سبک‌تر مجرم می‌شود. این سیاست اتخاذی به مثابه سپری در مقابل کیفر مرگ عمل می‌کند که میزان قطعیت و دقت دادگاه یا هیئت منصفه در صدور کیفر به حداکثر رسیده و از میزان اشتباه در این خصوص به قدر توان بکاهد. اگر با این

ابزار احتمال فرار عده ای قلیل از دام عدالت جنایی وجود داشته باشد اما احتمال کاهش مجرمیت عده ای اندک حتی یک تن به جرمی مستوجب کیفر مرگ و از این رو کیفر مرگ، هدفی چندان والاست که برای توسل به این ابزار می تواند توجیه کافی باشد، همچنان که گفته می شود که صد مجرم اگر از چنگال عدالت جنایی فرار کند بهتر از آن است که یک بی گناه در چنگال عدالت جنایی گرفتار شود.

با عنایت به آنچه از نظر گذشت، شاید بتوان با بومی کردن این سیاست جنایی خاص از رهگذر راهبردهای ویژه نظام حقوق جنایی کشورمان، بتوان از چنین عواملی به مثابه خط قرمز برای صدور کیفر مرگ بهره برد و دادگاه ها را به موجب قانون مکلف کرد در مواردی که اقدام به صدور کیفر مرگ برای متهمین جرایم مستوجب مرگ می کنند، احراز این دسته از عوامل که بی تردید باید به موجب قانون شمار و شرایط هر یک به وضوح تعیین گردد، ضرورت دارد.

منابع پایانی

منابع پارسی

عقیق، سیدروح اله (۱۴۰۲)، «نارسایی تقنینی بزه جاسوسی در قانون مجازات اسلامی در مقایسه با قانون مجازات فرانسه»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دوره ۱۱، شماره ۲۲، اسفند ۱۴۰۲.

English Resources

Books and Articles

- Center for Constitutional Rights, "The Death Penalty is a Human Rights Violation: An Examination of the Death Penalty in the U.S. from a Human Rights Perspective", 666 Broadway, 7th Floor, New York, NY 10012.
- Congressional Research Service (۲۰۰۳), Federal Capital Offences: An Overview of Substantive and Procedural Law, July 5, 2023, available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R42095>
- Crane, Paul T., "Does the Treason Clause Still Matter? (Yes)", available at: <https://constitutioncenter.org/the-constitution/articles/article-iii/clauses/39#does-the-treason-clause-still-matter>
- Cunningham, John P., *Death in the Federal Courts: Expectations and Realities of the Federal Death Penalty Act of 1994*, University of Richmond Law Review, Volume 32, Issue 3, p. 942
- Dubber, Markus D., the State as Victim: Treason and the Paradox of American Criminal Law, p. 3, available at: https://www.researchgate.net/publication/228154433_The_State_as_Victim_Treason_and_the_Paradox_of_American_Criminal_Law/link/5ac378a40f7e9bfc045feefd/download?_tp=eyJjb250ZXh0Ijp7ImZpcnN0UGFnZSI6InB1YmxpY2F0aW9uIiwicm90aW90IjoiIn0

- Gabay, Michael, *The Federal Controlled Substances Act: Schedules and Pharmacy Registration*, available at: <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC3839489/>
- Justia, *Aggravating and Mitigating Factors in Criminal Sentencing Law*, available at: <https://www.justia.com/criminal/aggravating-mitigating-factors/>
- Hazard, John N., and Stern, William, "Exterior Treason, A Study in Comparative Criminal Law", the University of Chicago Law Review, P. 78, available at: <https://chicagounbound.uchicago.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1621&context=uclre>
v
- Lewis, David (2013), *Breach of Allegiance: The History of Treason Charges in the U.S., and its Rebirth in the Age of Terrorism*, University of Central Florida, 2013, P. 54, HIM 1990-2015. 1503.
<https://stars.library.ucf.edu/honorstheses1990-2015/1503>
- Maurer School of Law, Indiana University, "Historical Concept of Treason: English, American," Indiana Law Journal: Vol. 35: Iss. 1, Article 4. 1959, Available at: <https://www.repository.law.indiana.edu/ilj/vol35/iss1/4> .
- Norwood, Ryan (۲۰۰۲), *None Dare Call It Treason: The Constitutionality of the Death Penalty for Peacetime Espionage*, Cornell Law Review, Volume 87, Issue 3 March 2002, P. 847
¹ 18 U.S.C. §§ 3592(a), (b).
- Scheb, John M. and Scheb II, John M. (۲۰۰۸), *Criminal Law and Procedure*, Sixth Edition, Thomson Wadsworth, 2008 .
- Tabak, Ronald J, Capital Punishment, the State of Criminal Justice, 2023, P. 194, Available at:
<https://www.americanbar.org/content/dam/aba/publications/criminaljustice/2023/death-penalty-scj2023.pdf>

Laws and Regulations :

- 1917 Espionage Act
- Espionage and Sabotage Act of 1954
- The Federal Death Penalty Act of 1994
- Revised Statutes of 1878
- Treason Act 1351

Cases :

- *Atkins v. Virginia*, 536 U.S. 304 (2002)
- *Bobby v. Bies*, 556 U.S. 825 (2009)
- *Ford v. wainwright*, 477 U.S. 339, 106 S.Ct. 2595, 91 L.ED.2d 335 (1986)
- *Furman v. Georgia*, 408 U.S. 238 (1972),
- *Gregg v. Georgia*, 428 U.S. 153 (1976)
- *Penry v. Lynaugh*, 492 U.S. 302, 109 S.Ct. 2934, 106 L.Ed.2d 256 (1989), , Available at : <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/492/302/>
- *Roper v. Simmons*, 543 U.S. 551 (2005)